نقش حکومت اسلامی در گسترش حمایت مالی نیازمندان از منظر آموزه‌های اسلامی

راضیه شیرینی[1]

چکیده:

رفاه اقتصادی افراد جامعه جزء اصلی‌ترین مسائل در راستای پیشرفت و توسعه‌ی هر کشوری است که در آموزه‌های اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. علی‌رغم تلاشهایی که در جهت بهبود وضعیت اقتصادی ایران شده است باز شاهد افول در شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی کشور بوده و پدیده‌ی فقر یکی از جدی‌ترین معضلات کشور محسوب می‌شود. لذا لازم است تلاشهایی توسط حکومت اسلامی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی جامعه انجام شود که توجه به بهبود وضعیت معیشتی افراد جامعه و به ویژه محرومان از فعالیت‌هایی است که می‌تواند تأثیر عمیقی بر روند افزایش شاخص‌های اقتصادی جامعه داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف ارائه‌ی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و در پاسخ به این سؤال که "حکومت اسلامی چه نقشی در گسترش حمایت مالی نیازمندان جامعه دارد؟" انجام شده است. این پژوهش با رویکردی کیفی، با استفاده از روش تحلیلی، انتقادی به بررسی نقش حکومت اسلامی در گسترش حمایت مالی نیازمندان جامعه پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که حاکمیت می‌تواند از طریق ایفای نقشهای شناختی، سازماندهی، هدایتی، حمایتی و نقش مدیریتی در این زمینه مؤثر باشد. درک ضرورت نهادینه‌سازی فرهنگ حمایت از نیازمندان مرتبط با نقش شناختی حکومت اسلامی بوده و توجه به اصل شایسته‌سالاری در انتخاب کارگزاران اقتصادی نیز مرتبط با نقش سازماندهی حکومت اسلامی است و توسعه‌ی بینش فرهنگی جامعه در

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سلماس rsh.khoy@yahoo.com

راستای حمایت از نیازمندان، آموزش و تربیت جامعه‌ی صالح و معنوی از مصادیق نقش بصیرت دهی حاکم اسلامی است. از نقش‌های اجرایی و نظارتی نیز می‌توان به شناسایی افراد نیازمند جامعه، التزام حاکمیت و کارگزاران حکومتی به ساده‌زیستی، تنظیم روابط بین افراد بر اساس اصل خدمت رسانی، تأسیس صندوق‌های قرض الحسنه و بستر سازی برای اجرای اصل مسئولیت مشترک اجتماعی در جامعه اشاره نمود. حمایت از مؤسّسات خیریه و بنگاههای اقتصادی بخش خصوصی، ایجاد انگیزه در بخش خصوصی برای ایجاد اشتغال از مصادیق نقش حمایتی است.

کلید واژگان: اقتصاد، حمایت مالی، نیازمندان، حکومت اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه و بیان مسأله:

کمک به نیازمندان از آموزه‌های اساسی اسلام است که در متون دینی مورد تأکید ویژه قرار گرفته است؛ در آموزه‌های اسلامی تعامل متقابل انسانها و همیاری در رفع مشکلات یکدیگر از جایگاه والایی برخوردار است: "تَوَاصَلُوا وَ تَبَارُّوا وَ تَرَاحَمُوا وَ كُونُوا إِخْوَةً بَرَرَةً كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ" (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق: ۱۵۰؛ کوفی اهوازی، ۱۴۰۲: ۲۲) (بایکدیگر پیوند و ارتباط داشته باشید به هم نیکی کنید و با هم مهربان باشید و همچنان که خداوند به شما دستور داده است برادرانی نیکوکار باشید) انفاق به نیازمندان در آیات قرآن کریم در کنار اقامه‌ی نماز ذکر شده و آثار فراوان فردی از قبیل افزونی مال، طهارت نفس، دوری از بلایا و مصایب و... و آثار اجتماعی نظیر رفع فقر در جامعه و پیشرفت نظام اقتصادی برای آن ذکر شـــده است. باید گفت این امر در قرآن کریم به عنوان دستوری اخلاقی مطرح شده: "وَ آتِ ذَا الْقُرْبى حَقَّهُ وَ الْمِسْـــكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ؛ و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه‌مانده را [دستگیری کن]" (اسراء/۲۶) و در روایات به عنوان حقّی از حقوق الهی معرفی شده است (حکیمی،۱۳۸۰: ۱، ۶۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷، ۲۵۲) به طوری که عدم اهتمام به این امر با بی ایمانی یکســـان دانسته شـــده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۵۸؛ ورّام، ۱۳۶۹: ۲، ۲۰۰) از منظـــر روایات بعد از ایمان به خدا محبوبترین سپاســـگزاری از خداوند، یاری رســـانی به محرومان است (شـــیخ صدوق، ۱۳۷۸ق: ۲، ۱۶۹؛ قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹: ۲، ۶۵۹). سیاق آیه‌ی "الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ سِرًّا وَ عَلانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ؛ کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود" (بقره/۲۷۴) تقدیر و سپاس از کسانی است که در باره‌ی رفع نیازهای اجتماع همت گماشـــته و برای کمک به زیردستان نهایت سعی را مبذول می‌دارند و هنگامی که مالی بدســـت آورده آشکارا و یا نهان به نیازمندان انفاق می‌نمایند. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۲، ۳۶۲)

از این روست که پیامبر (ص) و ائمه معصومان (علیهم السلام) در دوران زندگی خود به این امر توجهی وافر داشـــتند و علاوه بر تشـــویق مردم به این امر خیر، خود در انجام آن پیشـــقدم بودند. با توجه به اینکه فلســـفه‌ی تشکیل حکومت در اسلام اقامه‌ی قسط و پیشـــبرد جامعه در مسیر فرمان خدا، رفع محرومیت و رســـیدگی به وضع معیشتی افراد

جامعه و فراهم آوردن زمینه‌های مساعد و مناسب برای تحقق رفاه نسبی است، مسئولان حکومتی در این باره مسئولیت سنگین‌تری بر عهده دارند. به تعبیر آیت الله جوادی آملی: حفظ منافع مادی مردم گوشه‌ای از وظایف حاکم اسلامی است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ٤٠٩). حضرت علی (ع) در زمان حکومت خود به آن توجه نموده و در نامه‌های خود به کارگزاران، توجه به اقشار ضعیف جامعه را مورد تأکید قرار داده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به نامه‌ی امام به مالک اشتر اشاره نمود: "اللَّهَ اللَّهَ فِی الطَّبَقَةِ السُّفْلَی مِنَ الَّذِینَ لَا حِیلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاکِینِ وَ الْمُحْتَاجِینَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسَی وَ الزَّمْنَی فَإِنَّ فِی هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعاً وَ مُعْتَرّاً وَ احْفَظْ [اللَّهَ] لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَکَ مِنْ حَقِّهِ فِیهِمْ وَ اجْعَلْ لَهُمْ قِسْماً مِنْ بَیتِ مَالِکِ؛ خدا را! خدا را! دربارۀ طبقه پایین جامعه در نظر داشته باش؛ کسانی که راه چاره‌ای ندارند، از تهیدستان و نیازمندان و گرفتاران و زمین‌گیران. در میان آنان افراد قانع و اهل اعلام نیاز وجود دارند، حق الهی را که از تو خواسته است؛ دربارۀ آنان پاس بدار و بخشی از بیت‌المال [حکومتت] را برای آنان قرار ده".

منقول است که امام حسن (ع) علاوه بر دوران حاکمیت امیرالمومنین علی (ع) و در دوران کوتاه حکومت خودشان در کوفه و دوران پس از حکومت نیز این کار را انجام می‌دادند و به بخشی از قشرهای نیازمند، نظیر سالمندان، یتیمان و خانواده‌های شهدا و... مستمری و حقوق تعیین کرده بودند که حقوق آنها را از محل موقوفات و صدقات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرمؤمنان (ع)، فاطمه زهرا (ع) و اموال شخصی خود می‌پرداختند.

در ایران بعد از انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) در تاریخ سوم اسفند ۱۳٦۷ به این امر توجه نموده و از جنگ فقر و غنا به عنوان جنگ حق و باطل و جنگ ایمان و رذالت یاد کردند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۱،۸۵) و بدینوسیله به حساسیت رفع فقر و جامعه‌ی طبقاتی اشاره نموده و آن را جهادی بر دوش تمامی مردم جامعه دانستند، ولی متاسفانه در حال حاضر به این مقوله توجهی نشده و طبق آمار جهانی روز به روز بر فاصله‌ی طبقاتی افراد جامعه افزوده می‌شود لذا لازم است برای رفع آن، انفاق و کمک به نیازمندان مورد توجه و عمل قرار گیرد که با توجه به قدرت اجرایی حکومت در جامعه، هیأت حاکمه‌ی حکومت اسلامی می‌تواند به این موضوع توجه نموده و زمینه ساز گسترش کمک به نیازمندان

در ســـطحی وســـیع در جامعه گردد. از این رو انجام تحقیقی که بتواند نقش‌های مختلف حکومت را در این امر مورد تبیین قرار دهد امری ضروری به نظر می‌رسد.

از ســـوی دیگر رساندن کشور به سطح بالای توسعه و پیشرفت وظیفه‌ی هر حکومتی است و در این راستا نیز بعد از انقلاب اسلامی ایران، توجه به توسعه‌ی کشور مورد توجه کارگزاران جمهوری اسلامی قرار گرفت و در سال ۱۳۸۹ از سوی مقام معظم رهبری در قالب اصطلاح "پیشـــرفت" توجه همگان بر ارائه‌ی الگوی پیشـــرفت اسلامی ایرانی طبق ضرورتهای کشور جلب شد. ارائه‌ی الگو در زمینه‌ی پیشرفت اقتصادی کشور که زمینه‌ساز رفاه نســـبی افراد جامعه و به ویژه نیازمندان کشور اســـت یکی از مهمترین اموری است که لازم اســـت مورد توجه قرار گیرد. لازم به ذکر اســـت که حمایت از نیازمندان جامعه بعد از پیروزی انقلاب اســـلامی، تحت عنوان طرح حمایت از مستضعفان و محرومان در راستای فقرزدایی مورد توجه قرار گرفت ولی متأسفانه هنوز هم مسأله‌ی فقر در ایران از معضلات کشـــور محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به تأکیدات شارع بر توجه به همنوعان و خدمت به یکدیگر، اگر فرهنگ احســـان و خدمت‌رسانی به هم‌نوع در جامعه گسترش یابد بسیاری از معضلات مرتبط با محرومیت و فقر در جامعه حل خواهند شد. بدین ترتیب سوق دادن جامعه به سوی کمال و سازندگی در پرتو عمل به تعالیم اسلامی وظیفه‌ی هر فرد مســـلمان به ویژه حکومت و دولت اسلامی است و در این مورد مجلس شورای اسلامی و منتخبان ملّت، قوه قضائیه و قضات کشور، رؤسای جمهوری و اعضای هیئت دولت و... وظیفه‌ای بزرگ در برابر افراد نیازمند بر دوش دارند.

با توضیحات فوق می‌توان گفت حاکم اســـلامی در مورد حمایت از نیازمندان علاوه بر نظارت مستقیم بر تأمین معاش افرادِ نیازمند، لازم است با فراهم آوردن زمینه‌ی حمایت افراد جامعه به ویژه افراد توانمند از افراد نیازمند ایفای نقش کند. لذا این تحقیق در نظر دارد نقش حاکمیت را در گســـترش حمایت اجتماعی محرومین و نیازمندان جامعه در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار دهد که در این راستا سعی شده است از تعالیم اسلامی نیز استفاده گردد.

۲- اهداف و پرسش‌های تحقیق:

هدف اصلی این تحقیق این اســـت که با بررســـی نقش حکومت اسلامی در گسترش حمایت مالی نیازمندان الگویی جهت رســـیدن به پیشرفت اقتصادی در جامعه ارائه دهد.

پرســش اصلی پژوهش این است که حکومت اســلامی چه نقشی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان در ســطح جامعه دارد؟ پرسشهای فرعی نیز عبارتند از اینکه: ۱) نقش شــناختی حکومت اسلامی در گســترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟ ۲) نقش سازماندهی حکومت اســلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟۳) نقش اجرایی و نظارتی حکومت اســلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟٤) نقش حمایتی حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟

۳- پیشینه‌ی پژوهش

علی‌رغم نقشی که حمایت از نیازمندان در رسیدن به تمدن و پیشرفت در جامعه دارد و لازم اســت در این زمینه تحقیقات متعددی صورت گرفته باشــد ولی جستجوی پایان نامه‌ها و کتاب و مقالات نشان می‌دهد که در این زمینه آثار معدودی تألیف شده است: از جمله می‌توان به مقاله‌ی "امام علی و نیازمندان" نوشته‌ی ابراهیم کاملی در فصلنامه کوثر، ۱۳۸٦، ش ۷۱ و نیز پایان نامه‌ی کارشناســی ارشد بررسی نقش رسانه‌های اجتماعی در جذب افراد نسبت به امور خیریه نیازمندان کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان ایلام با نقش میانجی بازاریابی اخلاقی" نوشته‌ی سید روح‌الله رحمانی در سال ۱۳۹٦ اشاره نمود که هرکدام از این تحقیقات مقوله‌ی حمایت از نیازمندان جامعه را در ابعادی غیر از نقش حکومت اسلامی مورد توجه قرار داده است. لذا بررسیها نشان می‌دهد که تا کنون تحقیقی در زمینه‌ی نقش حکومت اسلامی در گســترس حمایت اجتماعی نیازمندان انجام نشده است و این اولین تحقیقی است که در این زمینه انجام شده است. لذا این تحقیق از لحاظ ساختار و گردآوری مطالب، در تبیین نقش حکومت در گسترش حمایت از نیازمندان که توسط افراد جامعه باید انجام شود بدیع و جدید است.

۴- تعریف مفاهیم:

۴-۱ مفهوم واژه‌ی "حکومت":

حکومــت در لغت به معنای فرمانروایی، داوری (حســینی زبیدی، ۱٤۱٤: ۱٦،۱٦۰ ؛ الصحــاح، ۱۹: ۱۹۰۱؛ راغب ،۲٤۹) و ردّ ظلم از کســی (حســینی زبیــدی، ۱٤۱٤: ۱٦،

ص۱٦۰؛ طریحی، ۱۳۷۵: ٦، ص٤٦) اســـت . برای معنـــای اصطلاحی این واژه تعاریف مختلفی از ســـوی دانشمندان ارائه شده است. ژان ژاک روسو حکومت را واسطه‌ای میان رعایا و هیأت حاکم دانســـته اســـت که آنها را به همدیگر مربوط می‌سازد و حفظ قانون و حفظ آزادی سیاســـی را به عهده دارد (روســـو، ٦۹؛ فاستر، ۱۳٦۱: ۳۸۹). برخی نیز آن را به معنای بســـیج کردن امکانات و منابع فکری و مدنی و انسانی توسط بخشی از امت (صدیقی، ۱۳۷۵: ۱۰۷) ویا مجموعه نهادهای مجری احکام دانســـته‌اند (بشـــیریه، ۱۳۸۰: ۳۰). برخی دیگر نیز با استناد به پایه‌ریزی نظام حکومت بر اساس ولایت و امامت آن را ریاســـت عام الهی برای یک انســـان در تمام اموری که به دین و دنیای مردم مربوط است تعریـــف نموده‌اند (محامـــد، ۱۳۸۹: ۱۹). آنچه در این تحقیق مدنظر اســـت همان هیأت حاکمه بر روند اصلاح امور جامعه اســـت که در ایران متشکل از سه قوه‌ی مجریه، مقننه و قضائیه است.

۴-۲ روش پژوهش:

روش بـــه کار رفته در این پژوهش توصیفی تحلیلی اســـت که بر اســـاس داده‌های اسنادی، کتابخانه‌ای است و سعی خواهد شد بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی به تجزیه و تحلیل پیرامون نقش حکومت اسلامی در گسترش حمایت مالی نیازمندان پرداخته شود.

۴-۳ یافته‌های تحقیق:

یافته‌های پژوهش در پاسخ به سوالات طرح شده به شکل زیر است:

پرسش اول: نقش شناختی حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟

اصلی‌ترین وظیفه‌ی حاکمیتی دولت اســـلامی درک ضرورت نهادینه‌ســـازی فرهنگ حمایت از نیازمندان جامعه اســـت. این امر زمانی محقّق می‌شـــود کـــه اعضای کابینه‌ی دولت بتوانند به تحلیل شرایط جامعه بپردازند و لزوم حمایت از نیازمندان را درک کنند. حاکمیت روحیه‌ی ایمان به خدا و تســـلیم در برابر اوامر الهی در کارگزاران دولتی زمینه تحقق این تعهد را فراهم می‌نماید. در نظام اســـلامی، تقواگرایی، اساس کار و سازندگی بوده و فرد را به سمت درک شرایط و عدالت محوری سوق می‌دهد (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

وجود معنویت در مدیران حکومتی علاوه بر ایجاد شناخت و درک واقعیتهای موجود در جامعه از بعد رفتاری نیز آثار متعددی دارد که در راستای حمایت از نیازمندان مفید است. مدیران متّقی در سازمان‌ها با این نیروی بازدارنده از دست زدن به رفتار غیراخلاقی چون اختلاس، رشـــوه‌خواری و بنده و برده‌ی پول شدن پرهیز نموده (ربّانی، ۱۳۸۰: ۵۲) و به جهت خلوصی که دارند در سازمان‌ها دچار خودبرتربینی، بدزبانی، رفتار تحقیرآمیز نسبت به دیگران، توهین و رفتارهایی از این قبیل نمی‌شوند (کاظمی و همکاران،۱۳۹۱: ۲۵). لذا نقش شناختی اولین نقشی است که حکومت اسلامی می‌تواند در این راستا داشته باشد.

پرســـش دوم: نقش ســـازماندهی حکومت اسلامی در گســـترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟

سازماندهی نقشی است که در آن حاکم اسلامی به عنوان مدیر جامعه ملزم به اجرای وظایفی اســـت که باید اجرا شود، تشخیص کسانی اســـت که باید اجرا کنند، چگونگی گروه‌بندی وظایف و تعیین کسانی است که باید گزارش دهند یا گزارش بگیرند (فیضی، ۱۳۸۳: ۱۵٦)

با توجه به این که دقّت در انتخاب کارگزاران متخصّص و با اخلاق در جامعه ســـبب پیشـــرفت کارها و تثبیت ارزش‌های اخلاقی می‌شـــود، دولت موظف است با پیروی از آموزه‌های اهل بیت (ع) برای فقرزدائی جامعه و حمایت از نیازمندان و نیز پیشـــرفت و شکوفائی اقتصادی، در انتخاب کارگزاران اقتصادی دقت نموده و از اصل تخصص‌مداری در این امر اســـتفاده نماید. امـــام رضا (ع) محرومیت و فقرو نابســـامانی اجتماعی را در ســـپردن کارها به دســـت افراد غیر متخصص دانســـته و می‌فرماید: "[بخشی از شریعت اســـلام] بیزار بودن از کسانی که نیکان را تبعید کردند و کسانی که باید رانده می‌شدند را در مرکز اســـلامی پناه دادند و کم‌خردان (غیر متخصصان) را به کار گماردند". (عروسی حویزی، ۱٤۱۵: ۵، ۲۷۸) رعایت شایسته سالاری در بعد اخلاقی نیز سبب می‌شود افرادی به کار اقتصادی گمارده شـــوند که امانتدار بیت المال باشـــند. امام علی(ع) در عهدنامه‌ی مالک اشـــتر، می‌فرماید: "کارگزاران دولتی را از میان مردمی انتخاب کن که... اخلاق آنان گرامی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر، و طمع‌ورزی‌شان کمتر است." بنابراین، یکی از معیارهای مهم انتخاب کارگزار شایسته، داشتن صلاحیت اخلاقی است.

پرسش سوم: نقش اجرایی حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟

منظور از این نقش، نقشی است که حکومت اسلامی با اجرای قوانین و نظارت بر روند اجرای آن قوانین ایفا می‌کند.

طبق فرموده‌ی قرآن کریم برخی افراد نیازمند به علت خویشتنداری و عدم درخواست از دیگران به عنوان فرد نیازمند در جامعه شناخته نمی‌شوند: "لِلْفُقَراءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْباً فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجاهِلُ أَغْنِياءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيماهُمْ لا يَسْئَلُونَ النَّاسَ إِلْحافاً؛ [این صدقات] برای آن [دسته از] نیازمندانی است که در راه خدا فرومانده‌اند، و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه زندگی] در زمین سفر کنند. از شدّت خویشتن‌داری، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آنها را از سیمایشان می‌شناسی. با اصرار، [چیزی] از مردم نمی‌خواهند. و هر مالی [به آنان] انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است، در این آیه به یکی از موارد انفاق و بخشش اشاره شده که دارای اولویت و اهمیت است؛ یعنی نیازمندان آبرومندی که در خدمت اسلام و مسلمانان هستند (رضائی اصفهانی،۱۳۸۷: ۲، ۳۲۲) معرفت این افراد از چهره‌هایشان، برای این است که چهره آنها زرد، و بدن‌هایشان لاغر، و آثار محنت و کوشش از صورتشان آشکار می‌باشد. (دیوبندی، ۱۳۸۵: ۱، ۲۵۰) حکومت اسلامی می‌تواند با شناخت این افراد و معرفی آنها به مراکز خیریه و صندوقهای قرض الحسنه و اعطای تسهیلات ویژه به آنها و... در این زمینه نقش داشته باشد همچنانکه امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر به طبقه‌ی محرومی که خویشتن‌دار هستند اشاره نموده و به او دستور داده است که این گروه نیز شناسایی شده و مورد توجه وی قرار گیرند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

دیگر نقش اجرایی حکومت اسلامی، تنظیم روابط بین افراد بر اساس اصل خدمت‌رسانی است. باید گفت در آموزه‌های اسلامی، مالکیت انسان نسبت به اموال خود، مالکیتی مجازی است. طبق این نگرش، اموال مردم در حکم غنیمت بوده و دیگران نیز در آن اموال سهیمند: "كَانَ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ عَوَارِيَ وَ أَنَّهُمْ مَالِكُونَ مَجَازاً لَا حَقِيقَةً لَهُ؛ و آنچه در دست مردم است عنوان عاریه دارد، و مردمان به مجاز مالکند نه به حقیقت" (حکیمی، ۱۳۸۰: ۳، ۸۸؛ نوری، ۱٤۰۸: ۷، ۲۷۸) و نیز سرمایه گذاری اموال بین برادران

دینی حق برادری اســـت: "أَنَّ حَقَّ الْإِخْوَانِ وَاجِبٌ فَرْضٌ لَازِمٌ؛ همانا مراعات حقّ برادران واجب و لازم اســـت" (مجلســـی، ۱٤۰۳،ج ۷۱ ،ص ۲۲٦). در آیه‌ی۲۷۳ از سوره‌ی بقره: "لِلْفُقَراءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْباً فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجاهِلُ أَغْنِياءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيماهُمْ لا يَسْئَلُونَ النَّاسَ إِلْحافاً وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيم" لام در "للفقراء" لام اختصاص است (طیّب، ۱۳۸۹: ۳ ،۵۹) و نشان می‌دهد فقرا، در اموال اغنیاء حقّی دارند (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱ ،٤۳۲).

در تعالیم اســـلامی بر لزوم صله‌ی رحم به عنوان ارزش اخلاقی تأکید شـــده و لزوم حمایت مالی از خویشاوندان از مصادیق آن شمرده شده است و حتی در بینش ائمه اطهار (ع) حمایت مالی از نیازمندان خویشـــاوند اولویّـــت دارد: "لَا صَدَقَةَ وَ ذُو رَحِمٍ مُحْتَاجٌ." (شیخ صدوق، ۱٤۱۳: ۲: ٦۸) امام صادق (ع) در تفسیر آیه‌ی شریفه "وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ . لِّلسَّـــائِلِ وَالْمَحْرُومِ" (معـــارج/ ۲٤،۲۵) چنین فرمودند: "هو الرجل يؤتيه اللّه الثـــروة من المال، فيخرج منه الالف و الالفين و الثلاثـــة آلاف و الاقل و الاكثر، فيصل به رحمه، و يحمل به الكل عن قومه؛ آری این درباره کســـی است که خداوند ثروت و مالی به او می‌بخشد و او به مقدار هزار یا دو هزار یا سه هزار یا بیشتر و کمتر از آن جدا کرده و با آن صله رحم می‌کند و مشقت از قوم خود بر می‌دارد".

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: "فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ وَ لْيُحْسِنْ مِنْهُ الضِّيَافَةَ وَ لْيَفُكَّ بِهِ الْأَسِيرَ وَ الْعَانِيَ وَ لْيُعْطِ مِنْهُ الْفَقِيرَ وَ الْغَارِمَ وَ لْيَصْبِرْ نَفْسَهُ عَلَى الْحُقُوقِ وَ النَّوَائِبِ ابْتِغَاءَ الثَّوَابِ فَإِنَّ فَوْزاً بِهَذِهِ الْخِصَالِ شَرَفُ مَكَارِمِ الدُّنْيَا وَ دَرْكُ فَضَائِلِ الْآخِرَةِ ؛ هرکس که خداوند مالی را به او ببخشـــد، باید به خویشاوند خود بخشش کند، و سفره‌های مهمانی بگســـتراند، و اسیر را آزاد کند، و از آن به نیازمندان و بدهکاران بپردازد، و برای به دست آوردن ثواب الهی در برابر پرداخت حقوق الهی شـــکیبایی ورزد" (مجلســـی، ۱٤۰۳، ۷۱: ٤۱٦).

لذا اگر حاکمیت بتواند در این راســـتا قانون‌هایی مبنی بر التزام مردم بر رعایت حقوق خانوادگی و شهروندی تصویب کند و به اجرا بگذارد، می‌تواند در حمایت اجتماعی افراد نیازمند کمک رسان باشـــد. چون اگر مردم توانمند با نیازمندان خویشاوند خود همیاری داشـــته باشـــند، نیازمندان هر قوم و فامیلی از حمایت افراد توانمند فامیل خود برخوردار

خواهند شـــد. اجرای این طرح در سطح وســـیعتر از قبیل کمک رسانی به همسایگان و همشهریان حمایت اجتماعی افراد نیازمند را چند برابر گسترش خواهد داد.

همچنین حکومت می‌تواند با تأســـیس صندوقهای قرض الحســـنه و نظارت بر روند فعالیت بانکها در این راستا نقش داشته باشد.

قرض الحســـنه از اموری است که در آموزه‌های اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است و توصیه شـــده است که مؤمنان بخشـــی از اموال خود را برای کمک به نیازمندان و رفع گرفتاری آنها قرض دهند. به عقیده‌ی محققین گســـترش فرهنگ قرض الحســـنه موجب بهبود توزیع درآمد میان اقشـــار جامعه می‌شـــود و کارایی اقتصادی بالا رفته و از شدت تورم و رکود جلوگیری می‌کند. (صدر،۱۳۲،۱۳۷٤) امام رضا (ع) در این زمینه دســـتور به پرداخت قرض الحســـنه و امهال در گرفتن آن داده است. ایشان در روایتی می‌فرمایند:"وَ ارْفُـــقْ بِمَنْ لَکَ عَلَیْهِ حَتَّی تَأْخُذَهُ مِنْهُ فِی عَفَافٍ وَ کَفَافٍ فَإِنْ کَانَ غَرِیمُکَ مُعْسِـــراً وَ کَانَ أَنْفَقَ مَا أَخَذَ مِنْکَ فِی طَاعَةِ اللَّهِ فَأَنْظِرْهُ إِلَی مَیْسَـــرَةٍ" (الفقه المنسوب إلی الإمام الرضا علیه السلام ،١٤٠٦، ٢٦٨)

ترغیب و تشـــویق مســـلمانان به اعطای قرض الحسنه از اموری است که در گسترش حمایت اجتماعی افراد نیازمند موثر است که در این راستا تفهیم اهداف صندوق به مردم از طریق رســـانه‌ها که با همکاری حکومت اســـلامی انجام می‌شـــود امری بایسته است. حاکمیت و دولت اســـلامی می‌تواند با تأســـیس صندوقهای قرض الحســـنه و تخصیص جوایز نفیس در جهت نیل به فرهنگ اسلامی قرض الحسنه در جامعه، افراد جامعه را به حمایت از افراد نیازمند ترغیب نماید. نظارت مســـتمر حکومت بر روند فعالیت بانکها در راستای سپرده گذاری و پرداخت وام به افراد نیازمند و مراقبت مستمر از رعایت ضوابط مربوطه اقدام دیگر حکومت است. همچنین لازم است نظارت شود هیأت امنای صندوقها افراد امین و عامل به احکام اسلامی باشند. علاوه بر آن لازم است منابع صندوقها به سمت توسعه اقتصادی جامعه و اشتغال‌زایی هدایت شود.

همچنین حکومت اســـلامی می‌تواند با تلاش برای اجرای صحیح احکام اقتصادی در جامعه در این راســـتا نقش ایفا کند که خود نقشی اجرایی است. طبق آموزه‌های اسلامی طرق کسب درآمد به انو.اع حلال، حرام، ممنوع و جایز تقسیم شده است. در قرآن کریم

و روایات اسلامی، ربا، احتکار، دزدی و... به عنوان راههای نادرست کسب درآمد مطرح شده و حاکمیت مسئول کنترل اقامه‌ی احکام اسلامی در جامعه دانسته شده است: "... فَجَعَلَ عَلَيْهِمْ قَيِّماً يَمْنَعُهُمْ مِنَ الْفَسَادِ وَ يُقِيمُ فِيهِمُ الْحُدُودَ وَ الْأَحْكَامَ وَ مِنْهَا أَنَّا لَا نَجِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرَقِ وَ لَا مِلَّةً مِنَ الْمِلَلِ بَقُوا وَ عَاشُوا إِلَّا بِقَيِّمٍ وَ رَئِيسٍ لِمَا لَابُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا" (مجلسی،۱۴۰۳: ۲۳، ۳۲) عدم توجه به پیاده‌سازی احکام اقتصادی اسلامی زمینه‌ساز محروم شدن افراد بسیاری از برکات زندگی شده و انگیزه‌ی کار و فعالیتهای اقتصادی افراد جامعه گرفته شده و جریان مال و ثروت در جامعه دچار هرج و مرج می‌شود. علاوه بر آن گرایش مردم به مفاسد اقتصادی سبب فراموشی ارزشهای اخلاقی شده و بدین سان مردم نسبت به همیاری و مددکاری اجتماعی بی تفاوت می‌شوند و این پیامدی است که در سخنان امام رضا (ع)گوشزد شده است: "...وَ عِلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا بِالنِّسْيَةِ لِعِلَّةِ ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ وَ تَلَفِ الْأَمْوَالِ وَ رَغْبَةِ النَّاسِ فِي الرِّبْحِ وَ تَرْكِهِمُ الْقَرْضَ وَ الْفَرْضَ وَ صَنَائِعَ الْمَعْرُوفِ وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ فَنَاءِ الْأَمْوَال" (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ۲،: ۹۴ ؛ شیخ صدوق،۱۳۸۵، ۲: ۴۸۲)

امام رضا (ع) علت تشریع زکات را در سوق دادن جامعه به مساوات و حمایت و توانبخشی به فقیران و یاری رساندن به آنها دانسته و می‌فرماید: "أَنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوتِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ" (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۲، ۸)

با توجه به اینکه عدم توجه به احکام اسلامی با توجه به پیامدهای بسیار نامطلوبی که بر ساختار اقتصادی جامعه و عدم بهره برداری افراد نیازمند جامعه دارد، لازم است حاکم اسلامی نسبت به اجرای صحیح احکام اسلامی توجه نماید علاوه بر آن اعزام مأمور مالیاتی و تبیین وظایف وی و نیز جلوگیری از فعالیت‌های نامشروع و مخرّب نسبت به کلیّت اقتصاد کشور، از وظایف حکومت اسلامی است. چنانچه از منظر آموزه‌های اسلامی عهده‌دار شدن حکومت فی حد ذاته شأن و مقامی نیست بلکه وسیله‌ی انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه‌ی اسلام است (امام خمینی، ۱۳۷۴، ۱۴۰) مقام معظم رهبری در این زمینه بیاناتی به شکل زیر دارند:

"مسئولان کشور ـ چه در قوه مجریه، چه در قوه قضائیه و چه در قوه مقننه ـ باید با فقر و فساد و تبعیض در این مملکت مبارزه کنند. اگر بخواهند وضع امنیت کشور

را، وضع معیشـــت مردم را، وضع عزت بین المللی را تأمین کنند، راهش مبارزه با همین هاست". (بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر،۱۳۷۹)

باید توجه داشت با توجه به این که طبق آموزه‌های اسلامی عمل آزاد و بدون مراقبت و نظارت قانون و مجریان قانون ممنوع است (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ش ،۱، ۲۵۲) ممانعت از آزادی بی قید و شرط افراد در دستیابی به مال و ثروت از وظایف دیگر حاکمیت محسوب می‌شود. برخی از اقتصاددانان عقیده دارند اگر نظام اقتصادی اسلام به معنای درست خود اجرا شـــود، کودکان و یتیمان بی‌سرپرست، نیازمندان و بدهکاران و در راه‌ماندگان بسیار بالاتر، سخاوتمندانه‌تر و شرافتمندانه‌تر از نوع بیمه‌ها و نظام‌های تأمین اجتماعی رایج در کشورهای پیشرفته تأمین می‌شوند (ابراهیم العسل، ۱۳۸۷: ۱۸۵).

همچنین بستر سازی برای اجرای اصول اجتماعی جامعه‌ی اسلامی نیز از دیگر اموری اســـت که توسط حکومت اسلامی می‌تواند انجام شود. زندگی در جامعه‌ی اسلامی مبتنی بر اصولی اســـت که رعایت آنها از سوی افراد جامعه ضامن سعادت فرد و جامعه خواهد بود. طبق آموزه‌های اســـلامی مسلمانان نسبت به هم مسئول بوده و جایز نیست در مواقع ضرورت و نیاز نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت باشند. خداوند در دارایی‌های توانگران، بجز خمس و زکات، حقوقی دیگر واجب و مقرر کرده است: "وَالَّذِينَ فِی أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُوم. لِّلسَّـــائِلِ وَالْمَحْرُوم" (معارج/ ۲۵،۲٤) امام صادق (ع) در تفسیر آیه‌ی شریفه فرمودند: هو الرجـــل یؤتیه اللّه الثروة من المال، فیخرج منه الالـــف و الالفین و الثلاثة آلاف و الاقل و الأکثر، فیصل به رحمه، و یحمل به الکل عن قومه" (آری این درباره‌ی کســـی اســـت که خداوند ثروت و مالی به او می‌بخشـــد و او به مقدار هزار یا دو هزار یا سه هزار یا بیشتر و کمتر از آن جدا کرده و با آن صله رحم می‌کند و مشقت از قوم خود بر می‌دارد). اصل اخوت و برادری اصلی دیگر اســـت که معیار اصلی تمامی روابط اجتماعی مردم را تعیین می‌کند و مددرسانی به یکدیگر از لوازم و آثار آن محسوب می‌شود. از منظر اسلام مومنان بـــرادر یکدیگرند (حجـــرات/۱۰) و این برادری، برادری حقیقی اســـت (کوفی اهوازی، ۱٤۰۲: ۳۹ ؛ مجلسی، ۱٤۰۳، ۷۱: ۲۷۱) و این برادری اگر به مساوات و همیاری در مسائل اقتصادی نینجامد مردود است (ورّام، ۱۳٦۹: ۲، ۸۵). باید دانست عدم احساس مسئولیت در افراد جامعه نسبت به یکدیگر و آگاهی نداشتن بعضی از اقشار جامعه نسبت به قوانین

و حقوق افراد مسلمان نسبت به یکدیگر از موجبات اجرا نشدن این اصل در جامعه است. اصل شراکت مسلمانان در اموال یکدیگر از اصولی است که در آموزه‌های اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. در این آموزه‌ها شریک قرار دادن بینوایان در اموال ثروتمندان به خدا نسبت داده شده (حکیمی، ۱۳۸۰: ٤، ۳۹۲؛ کلینی، ۱٤۰۳: ۳، ٥٤۳) و صراحتاً دستور به شریک نمودن نیازمندان در زندگی داده شده است (حکیمی، ۱۳۸۰: ٤، ۳۹۱) لذا ترویج روحیه‌ی مشارکت اجتماعی و فرهنگ تعاون بین مردم به عنوان یک الگوی ارزشی مبتنی بر فرهنگ اهل بیت از اقدامات حکومت اسلامی در این راستا است. مشارکت اجتماعی به معنای کنش آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و کم و بیش سازمان یافته‌ی افراد و گروهها در جهت اهداف، نیازها و منافع جمعی است (غفاری و نیازی، ۱۳۸٦: ۱۸). مشخص است که پیاده‌سازی این اصول نیاز به برنامه‌ریزی نظام یافته دارد و وظیفه‌ی حاکمیت اسلامی بستر سازی مناسب در جامعه برای اجرا شدن اصل مذکور است که در این راستا می‌تواند با انجام کارهای آموزشی، فرهنگی و تبلیغات زمینه‌ی تقویت عواطف عمومی افراد جامعه و مشارکت را فراهم آورد که لازم است به اصل ایجاد مسئولیت‌پذیری قانون‌مدار توجه ویژه شود.

پرسش چهارم: نقش هدایتی حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟

توسعه‌ی بینش فرهنگی جامعه و فرهنگسازی صحیح متناسب با آموزه‌های اسلامی در راستای خدمت‌رسانی به نیازمندان نقش معینی را در گسترش همیاری و حمایت افراد نیازمند ایفا می‌کند. طبق آیه‌ی شریفه‌ی "لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلالٍ مُبِينٍ" تلاوت و اطلاع‌رسانی قوانین اسلامی از وظایف پیامبر (ص) به عنوان حاکم اسلامی است. همچنین تزکیه‌ی جامعه از آلودگیها از وظایف دیگر اوست که در این راستا قابل تبیین است. حاکم اسلامی با تأمین امنیت و تعمیق فرهنگ اسلامی است که می‌تواند جامعه را از مفاسد اجتماعی دور سازد که تعمیق فرهنگ انفاق از نمونه‌های بارز آن است. به نوشته‌ی مصباح یزدی حفظ حدود و قوانین و فرهنگ اسلامی و جلوگیری از رفتاری که موجب تضعیف فرهنگ اسلامی در جامعه شود، در رأس وظایف دولت

اســـلامی قرار دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ٦٢). لذا بر دولت و حاکمیت است که بتواند با ابزارهای مناسب در زمینه‌ی ایجاد روحیه‌ی خدمت‌رسانی به هم‌نوع فرهنگ‌سازی نماید که در این مورد رســـانه‌ها می‌توانند با تولید محصولات فرهنگـــی مختلف در این زمینه و الگو دهی مناســـب نقش بسیار کارآمد و موثری در توســـعه و ارتقای فرهنگی جامعه ایفا نمایند. همچنین حاکم اســـلامی می‌تواند با اســـتفاده از فضاهای تبلیغاتی درون شهر، فیلمهای تبلیغاتی و... فرهنگ انفاق را به عنوان فرهنگ حاکم در ارتباطات انســـانی تبدیل کند که این امر با تکرار در جامعه محقق می‌گردد. همچنانکه بنا به عقیده‌ی گوستاولوبون هر چیزی که تکرار شود چنان در ذهن‌ها استوار می‌گردد که به مثابه‌ی حقیقتی اثبات شده مورد قبول عامه واقع می‌شود. (نراقی،۱۳۷۷: ۱، ۱۳٤)

همچنین التزام کارگزاران دولتی به ساده‌زیستی اقدام دیگری است که می‌تواند توسط حاکم اســـلامی انجام شـــود. با این توضیـــح که با توجه به اینکه رفتـــار عملی حاکمیت و کارگـــزاران دولتی نقش بزرگی در فرهنگ‌ســـازی رفتار در ســـطح جامعه دارد، التزام کارگزاران دولتی به ساده‌زیستی مهمترین بعد رفتاری آنها در این زمینه محسوب می‌شود. حضرت علی (ع) به این نکته‌ی روانشناختی توجه نموده است، آنجا که می‌فرماید: "النّاسُ عَلی دینِ مُلوکِهم" (شیخ صدوق،۱۳٦۲: ۳۳) حاکمیت باید این امر روانشناختی را مدنظر قرار داده و ضمن التزام به ساده‌زیستی با ابزارهای مختلف تبلیغاتی و رسانه‌های عمومی، ساده‌زیســـتی را به عنوان باوری صحیح به مـــردم تلقین کند. در این صورت مردم با نگاه به زندگی حکمرانان دولتی، رفتار خود را بر اســـاس همـــان باورهای تلقین یافته تنظیم خواهند کرد. همچنانکه حضرت علی (ع) در زمان حکومت خود علّت اتّخاذ ساده‌زیستی در زندگی را تأســـی فقیر به سیره‌ی خود و ممانعت از طغیان ثروتمند به وسیله‌ی ثروتش دانســـته است (کلینی،۱٤۰۷: ۱، ٤۱۰). از این روست که لازم است حاکم اسلامی زندگی ساده‌ای داشته باشد تا مردم نیز با الگو قرار دادن آنها با افراد نیازمند اظهار همدردی نمایند و با اسراف و تبذیر و تجمل‌گرایی زمینه‌ساز فقر و نیازمندی نگردند.

نقش هدایتی دیگر حکومت اســـلامی در این راستا آموزش و تربیت جامعه‌ی صالح و معنوی اســـت. تعلیم و تربیت دینی و افزایش معنویت افراد جامعه از کارهای دیگری است که در راستای گسترش حمایت اجتماعی افراد می‌تواند توسط حاکم اسلامی انجام

گیرد. به وسیله‌ی تعلیم و تربیت دینی زمینه‌ی رشد و تعالی افراد جامعه فراهم شده و استعدادها در جهت کمال مطلق شکوفا می‌گردد. معنویت به این معنی است که انسان براساس جهان‌بینی توحیدی به مبدأ و معاد باور داشته باشد و انسان را در برابر خدا و خود و جامعه و جهان، مسؤول و پاسخگو بداند. بنابراین، دولت اسلامی در جایگاه خلیفه‌ی خدا در روی زمین نمی‌تواند در برابر تحّولات اخلاقی جامعه و میزان تقیّد آن به انجام معروف‌ها و دوری از منکرات بی‌تفاوت باشد؛ بلکه بر عهده‌ی دولت اسلامی است که به فکر توسعه‌ی معنویّات باشد. نکته‌ی حائز اهمیت این است که دولت موظف است تلاش نماید با مدیریت صحیح و بدون استفاده از قهر و غلبه از طریق ساختارهای آموزشی و تربیتی رسمی و غیر رسمی، ضمیر ناخودآگاه شهروندان را به سمت اخلاقیات وحرکت در ارزش‌های جامعه سوق دهد و این وجه تمایز حکومت اسلامی با حکومتهای غیر اسلامی و لائیک است؛ در نگاه اسلام تأمین مصالح معنوی و ایجاد زمینه برای رشد اخلاق و معنویت بر عهده‌ی حکومت است ولی شعار حکومتهای لائیک این است که وظیفه‌ی حکومت تنها تأمین امنیت و آزادیهاست. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۹). از این رو اختصاص بخشی از اعتبار و بودجه‌ی عمومی برای توسعه‌ی شناخت و معرفت دینی و آموزشی شهروندان ضروری است. معرفی الگوهایی نظیر ائمه علیهم السلام و آموزش و بیان قول و فعل آن امامان بزرگوار در زمینه‌ی لزوم خدمت‌رسانی به خلق و پیامدهای ناگوار خودداری از خدمت به خلق در این زمینه مفید است. آیه‌ی شریفه‌ی "لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلالٍ مُبِينٍ" "ایجاد مراکز علمی آموزشی را از وظایف حاکم دانسته است. امام علی (ع) نیز یکی از وظایف خود به عنوان حاکم اسلامی را آموزش و تربیت مردم دانسته است: "أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقّاً وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيْكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا" (نهج البلاغه، ۷۹)

مقام معظم رهبری نیز بر لزوم ترویج فضائل اخلاقی بین افراد جامعه تأکید نموده و می‌فرمایند: "نمی‌شود مسئولین کشور مسئولیتی احساس نکنند در زمینه‌ی هدایت فرهنگی جامعه... اگر چنانچه مزاحماتی وجود دارد، آنها را برطرف کنند؛ جلوی موانع

را، عناصر مخرب را، عناصر مفسد را بگیرند... دولت، وظیفه برای ترویجِ بیشتر [دین] دارد. هر کسی هر توانی که دارد، باید خرج کند... از همه‌ی اینها پرتوان‌تر هم دستگاه حکومت یک کشور است؛ خب، طبعا باید توان خودش را صرف کند در راه ترویج فضائل و جلوگیری از آنچه مزاحم رشد فضائل است. پس بنابراین فرهنگ جامعه متولی می‌خواهد؛ مثل اقتصاد" (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی،۱۳۹۲)

طبق فرموده‌ی خداوند در آیه‌ی بیست و پنجم از سوره‌ی حدید اقامه‌ی قسط وظیفه‌ی پیامبران الهی است: "لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...؛ به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند..." وظایفی که انبیای الهی بر عهده دارند مؤمنان نیز در حد وسع خود آن وظایف را بر عهده دارند. جمله‌ی "لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ" از" خودجوشی مردم" سخن می‌گوید، نمی‌فرماید: هدف این بوده که انبیاء انسانها را وادار به اقامه قسط کنند، بلکه می‌فرماید: هدف این بوده که مردم مجری قسط و عدل باشند. آری مهم این است که مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند و این راه را با پای خویش بپویند.(مکارم شیرازی، ۲۳، ۳۷۲) لذا هرگاه قیام به قسط صورت گیرد و جوامع بشری در تولید و مصرف به حق و عدالت عمل کنند، ریشه‌ی فقر و گرسنگی از آن جامعه کنده خواهد شد و اقتصادی پویا به وجود خواهد آمد (موسوی اصفهانی، ۱۳٦۸: ۱۸٤).

سوال پنجم: نقش حمایتی حکومت اسلامی در گسترش حمایت اجتماعی نیازمندان چیست؟

حمایت از نهادها و سازمانهای جمع‌آوری صدقات توسط حکومت اسلامی راهی برای بهره‌گیری هرچه بیشتر و بهتر از مشارکت‌های اجتماعی مردم و سامان دادن نظام اقتصادی جامعه و تأمین نیازمندیهای افراد نیازمند است. حاکمیت ملزم است که با بسترسازی برای توانمند نمودن افراد نیازمند و بازتوانی آنها، ضمن حمایت و کمک‌رسانی مادی از مؤسسات و نهادهایی که افراد توانمند جامعه در راستای کمک‌رسانی به طبقات محروم راه‌اندازی کرده‌اند، زمینه‌ی گسترش حمایت از افراد نیازمند را فراهم سازد. یکی از این مؤسسات کمیته امداد امام خمینی است که با دستور امام خمینی (ره) ۲۲ روز پس

از پیروزی انقلاب اســـلامی تأسیس و در ١٤ اسفند ١٣٥٧ فعالیت خود را شروع نمود و اقدام به شناسایی نوع و میزان محرومیت جوامع شهری و روستایی کشور نمود و با جمع آوری کمکهای مردم و اعتبارات دولتی اقدام به حل مشکل و رفع نیازهای محرومان نموده اســـت. (انصاری، ١٣٨٢). از بیان امام علی (ع) که می‌فرماید: "...وَ أَمْسِكُوا رَمَقَ الضَّعِيفِ بِجَاهِكُمْ وَ بِالْمَعُونَةِ لَهُ إِنْ عَجَزْتُمْ عَمَّا رَجَاهُ عِنْدَكُمْ وَ لَا تَكُونُوا بَحَّاثِينَ عَمَّا غَابَ عَنْكُمْ.." (ابن شـــعبه حرانی،١٤٠٤: ٢٢٤؛ نوری،١٤٠٨: ١١، ١٨٨) می‌توان اســـتنباط کرد که حتی درخواست از افراد توانمند نیز از وظایف دیگر حاکمیت می‌باشد. توانمندسازی محرومان و مددجویـــان در همه‌ی ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از برنامه‌های نهادهایی نظیر کمیته‌ی امداد اســـت که حاکمیت می‌تواند با آموزش قبل و حین کار مهارت و تخصص لازم افراد را افزایش دهد.

همچنین حمایت از مؤسسات خصوصی در راستای اشتغال‌زایی از اقدامات حکومت اســـلامی اســـت که می‌تواند در این زمینه نقش ایفا کند. کار و تلاش در اسلام از اهمیت بالایـــی برخوردار بوده و لزوم انجام کار اقتصادی برای تامین زندگی از واجبات اســـت. اسلام، مردم را برای برطرف کردن نیازهای زندگی، به کار و کوشش امر کرده، از بیکاری، تنبلی و ســـربار دیگران شدن به شدت منع نموده است. در آیه‌ی شریفه‌ی "وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ لِتَسْـــكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و از رحمتش برایتان شـــب و روز را قرار داد تا در این [یک] بیارامید و [در آن یک] از فزون‌بخشی او [روزی خود] بجویید، باشد که سپاس بدارید" (قصص/٧٣) آرامش شب مقدمه‌ی تلاش روز برای کســـب روزی معرفی شده است. از منظر روایات آن کس که با کار و عمل در جســـتجوی مواهب زندگی برای تأمین خانواده خویش است، پاداشی بزرگتر از مجاهدان راه خدا دارد (کلینی،١٤٠٧: ٥، ٨٨ ؛ شـــیخ حر عاملی،١٤١٤: ٦، ٢٤) لذا هر فردی از افراد اجتمـــاع وظیفه دارد با کار و تلاش هزینه‌ی زندگی خـــود و خانواده‌ی تحت تکفلش را تأمیـــن نماید. فقرا و نیازمندان نیز وظیفه دارند بـــا کار و تلاش درآمدزا به رفع فقر خود کمـــک نمایند و حاکمیت نیز می‌تواند با اختصاص بخشـــی از بودجه بـــه افراد نیازمند کارآفرینی کند. تأســـیس کارگاه‌های کوچک برای اشتغال بیکاران، ارائه خدمات مشاوره، ایجاد طرح‌های اشـــتغال‌زا و زودبازده در راستای حمایت از محرومان جامعه، تلاش در

تحقق شـــعار حمایت از تولید داخلی، زمینه‌سازی وام با سود کمتر که مرتبط با گسترش حمایتهای اجتماعی در سطح جامعه است، از اقداماتی است که دولت می‌تواند در راستای حمایـــت از نیازمندان انجام دهد. در حقیقت حکومت اســـلامی با این اقدامات و فراهم نمودن زمینه‌های اشتغال، افراد را به کار و تلاش ترغیب نموده و از آنان می‌خواهد با کار و کوشش خود، زندگی خویش را اداره نمایند.

ایجاد انگیزه در بخش خصوصی برای ایجاد اشتغال نیز امر دیگری است که توسط حاکم اسلامی می‌تواند محقق گردد. بنا به آموزه‌های اسلامی توانمندان نسبت به ناتوانان مکلف بوده و لازم است تا مرز توان‌یابی نیازمندان یاری و حمایت گردند. در حدیثی می‌فرمایند:" انَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ الصِّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَ الْبَلْوَى" (شیخ صدوق،۱٤۱۳: ۲ ،۳) طبق این حدیث لازم است مردمان توانمند برای اداره‌ی امور مردم نیازمند قیام نمایند که ایجاد زمینه‌های اشـــتغال از مصادیق آن است. دولت و حکومت اسلامی برای گسترش حمایت‌های مردمی جامعه از نیازمندان می‌تواند با پشتیبانی و حمایت از افرادی که ظرفیت ایجاد شـــغل را دارند، زمینه‌ی اشتغال افراد نیازمند را فراهم آورد. لذا می‌توان گفت ایجاد فرصت‌های برابر برای اشتغال نیازمندانی که می‌توانند با فعالیت اقتصادی و کار برای تأمین نیازهای خود اقدام کنند از کارهای دیگر حکومت اســـلامی است. لذا لازم است حاکمیت حوزه‌هایی که ظرفیت‌های مناســـب و بیشـــتری برای ایجاد اشتغال دارند را شناسایی کند و با برطرف کردن موانع و تســـهیل شـــرایط و اعطای تســـهیلات، بخش خصوصی را به فعالیت بیشـــتر در عرصه‌ی اقتصاد و ایجاد اشتغال تشویق کند که در این میان حمایت از نیازمنـــدان باید در اولویت کار قرار گیرد. همچنین دولت می‌تواند با حمایت از طرح‌های حمایتی مجلس شورای اسلامی در این زمینه نقش داشته باشد. نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان نمایندگان مردم وظیفه دارند طرح‌هایی در راستای حمایت از افراد نیازمند تصویب کنند و دولت اســـلامی نیز وظیفه دارد از اینگونه طرح‌ها پشتیبانی نموده و آنها را بـــه مرحله‌ی اجرا در آورد. همچنین در مواقع ضرورت لوایحی پس از تصویب در هیئت وزیران به مجلس ارائه کند. از نمونه طرح‌ها می‌توان به طرح اختصاص یارانه‌ی بیشـــتر به افراد نیازمند بر حسب میزان نیازمندی اشاره نمود.

۵- نتیجه گیری:

تعالیم اســـلامی طوری طراحی شده‌اند که انســـان را به توجّه به هم‌نوع خود ترغیب نمـــوده و او را طوری تربیت می‌کند که خود را در برابر برادران دینی در جامعه مســـئول دانســـته و در رفع حوایج و نیازمندیهای آنان تلاش نماید. رهاورد این تعالیم و اجرای آن توســـط هر فرد، کاهش مشکلات خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و... وافزایش سازندگی و رشـــد جامعه و ایجاد امنیت و آرامش اســـت. در این تحقیق تلاش شـــد با استفاده از آموزه‌های اسلامی نقش حکومت اسلامی در گسترش حمایت مالی نیازمندان مورد تبیین قرار گیرد. بدین منظور تلاش شـــد آموزه‌های مرتبط با نقش حکومت اســـلامی در ابعاد مختلف آن استخراج شـــده و مجموعه‌ای از گزاره‌ها در قالب نقشهای شناختی، اجرایی، نظارتی و حمایتی تدوین شـــوند و در فرایند اعتبارسنجی با آموزه‌های قرآنی و روایی و ســـیره‌ی حکومتی ائمه (ع) مورد مقایســـه قرار گیرند. نتایج حاصله از این قرار است که حکومت اسلامی می‌تواند علاوه بر گنجاندن دروس مرتبط با انفاق در آموزش و پرورش، یا تشـــکیل کلاسهای آموزشی، یا نشســـتهای هدفمند با موضوع انفاق در سطح عمومی، جامعه را به ســـمت حمایـــت از نیازمندان هدایت نماید. همچنیـــن حکومت می‌تواند با نظـــارت و پی‌گیری اجرای آیین‌نامه‌هـــا و بخش‌نامه‌های مربوطه و نظارت بر ورودیهای فرهنگی جامعه و ســـوق دادن جامعه به سمت ساده‌زیستی و جلوگیری از ایجاد روحیه‌ی مصرف‌گرایـــی نقش نظارتی خـــود را ایفا نماید. با توجه به اینکـــه نقش حمایتی در دو جنبه‌ی حمایت مادی و معنوی می‌تواند صورت گیرد، حمایت از رسانه‌ها و برنامه‌سازان فرهنگی در جهت به تصویر کشیدن ابعاد زندگی شخصیتهای بزرگ اسلامی و حمایت از متولیان این امور نیز در این دو بعد و جنبه مادی و معنوی امری لازم است. به طوری که علاوه بر حمایت مالی و تخصیص بودجه به انجام امور مرتبط با آن حکومت می‌تواند با برنامه‌هایی نظیر بزرگداشت و نکوداشت فعالان فرهنگی در زمینه‌ی انفاق و وقف از آنها حمایت معنوی نماید.

منابع و مآخذ:

- قرآن کریم ،ترجمه محمد مهدی فولادوند
- نهج البلاغه صبحی صالح
- ابراهیم العسل(۱۳۷۸)، توسعه در اسلام، ترجمه‌ی عباس عرب مازار، مشهد، آستان قدس رضوی
- ابن ابی زینب، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷)، الغیبه نعمانی، تهران، نشر صدوق
- ابن ابی شعبه حرانی، حسن بن علی(١٤٠٤)، تحف العقول؛ قم، جامعه مدرسین
- ابن شهرآشوب مازندرانی(۱۳۷۹)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علاّمه
- امام خمینی (١٣٧٤)، آیین انقلاب اسلامی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- امام خمینی (۱۳۷۸)، صحیفه‌ی امام، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم ونشرآثارامام خمینی(س)
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، آموزش و دانش سیاسی، تهران، نگاه معاصر
- بیانات رهبر انقلاب (۱۳۸۷)، بیانات مقام معظم رهبری مندرج در Khamenei.ir
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، ولایت فقیه، نشر اسراء
- حسینی زبیدی، مرتضی(١٤١٤) تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰ش) الحیاه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- دیوبندی، محمود حسن (۱۳۸۵) تفسیر کابلی، احسان – ایران – تهران
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۰) عقاید استدلالی، تهران، انتشارات نصایح
- رضائی اصفهانی، محمدعلی(۱۳۸۷) تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن
- روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه غلامحسین، زیرم زاده، تهران، شرکت سهامی
- شیخ حر عاملی، محمدبن حسن (١٤٠٨)، هدایه الامه الی احکام الائمه، مشهد، آستانه الرضویه المقدسه
- شیخ صدوق (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا، تهران، نشر جهان
- شیخ صدوق، (۱۳۸۵)، علل الشرایع، قم، کتابفروشی داوری
- شیخ صدوق(١٣٦٢)، الخصال، قم، جامعه مدرسین
- صدر، سیدکاظم(١٣٧٤)، آثار اقتصادی رفتار و عقد قرض الحسنه، مجموعه مقالات ششمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، موسسه‌ی عالی بانکداری اسلامی
- صدیقی، کلیم (۱۳۷۵)، نهضتهای اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه هادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات
- طریحی، نصرالدین (۱۳۷۵)،مجمع البحرین، تهران، مرتضوی
- طیب،عبدالحسین (١٣٦٩)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، نشر اسلام
- عروسی حویزی، عبدعلی جمعه (١٤١٥)، نور الثقلین، قم، اسماعیلیان

- فاستر، مایکل(۱۳٦۱)، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، امیر کبیر، تهران
- الفقه المنسوب الی الامام الرضا (۱٤۰٦)، مشهد، موسسه آل البیت علیه السلام
- فیضی، طاهره (۱۳۸۳) مبانی سازمان و مدیریت، انتشارات دانشگاه پیام نور
- قرائتی، محسن(۱۳۸۸) تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله (۱٤۰۹)، الخرائج و الجوارح، قم، موسسه امام مهدی
- کاظمی، علی و دیگران (۱۳۹۱)، "تأثیر معنویت اسلامی بر هویت سازمانی"، اولین همایش ملی مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱٤۰۷)، الکافی، دارالکتب الاسلامیه
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید (۱٤۰۲) الزهد، مطبعه العلمیه
- گیدنز، جامعه‌شناسی (۱۳۸٤) ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی
- مجلسی، محمدباقر (۱٤۰۳)، بحارالانوار، دار احیاء تراث العربی
- محامد، علی(۱۳۸۹)، مبانی قرآنی حکومت دینی، پژوهشکده علوم و معارف قرآنی
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸)، نظریه سیاسی اسلام، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- نراقی، (۱۳۷۷)، جایگاه تبلیغات در جهان امروز، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی
- نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۰)، فلسفه‌ی سیاست، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۸۵)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مشهد، موسسه آل البیت علیهم السلام
- ورام، ابی فراس(۱۳٦۹)، مجموعه‌ی ورام، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی
- مکارم شیرازی، ناصر(۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیهٔ – ایران – تهران، چاپ دهم
- موسوی اصفهانی، جمال الدین (۱۳٦۸)، پیامهای اقتصادی قرآن، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی